

بررسی نفقه‌ی زن باردار پس از انحلال نکاح در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران

مهدی رحمانی*

چکیده

در حقوق اسلامی نفقه‌ی زوجه بر عهده‌ی زوج است. وجوب پرداخت نفقه حتی بعد از انحلال نکاح نیز چنانچه زن باردار باشد، به حال خود باقی است. طبق آیه ۶ سوره‌ی طلاق و روایات اگر مطلقه حامله در عده‌ی طلاق رجعی یا بائن باشد، مستحق دریافت نفقه است. موضوع اختلافی بین فقها و حقوق‌دانان این است که نفقه‌ای که به زن مطلقه بائن باردار تعلق می‌گیرد، برای خود زن است یا حمل؟ مشهور فقهای امامیه، شافعیه و حنابله، نفقه را برای حمل می‌دانند و عده‌ی دیگری از فقهای شیعه و حنفیه آن را برای زن دانسته و حتی از میان همین گروه برخی با استناد به ظاهر آیات، این نفقه را نفقه‌ی مستقلی دانسته‌اند که در قسم سایر مصادیق نفقه قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین ثمرات این بحث آن است که اگر نفقه برای حمل باشد، جزء نفقه‌ی اقارب محسوب می‌شود که در صورت فقدان پدر بر جد پدری واجب می‌شود؛ علاوه بر این زن نمی‌تواند تصرفاتی غیر از آنچه نیاز جنین است انجام دهد و نیز در منافع نفقه تصرف کند، اما اگر نفقه برای زن باشد، زن مالک نفقه است و هرگونه تصرفی می‌تواند در آن انجام دهد.

واژگان کلیدی

نفقه، زن باردار، طلاق رجعی، طلاق بائن، عده‌ی وفات، حمل.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی (rahmani_mahdi@khu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۵

۱- مقدمه و بیان مسئله

حقوق و وظایف متقابل زوجین از اموری است که دین مبین اسلام برای تحکیم خانواده و رشد و بالندگی آن وضع کرده است. رعایت این حقوق و انجام مسئولیت‌های مربوط به آن سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر زوجین می‌شود و از بروز هرج و مرج در خانواده جلوگیری می‌کند (اسحاقی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

زوجیت یکی از اسباب پرداخت نفقه است که به صورت یک اصل مسلم در فقه اسلامی و حقوق ایران پذیرفته شده است. طبق آیه ۷ سوره‌ی طلاق که می‌فرماید: «لِیُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلِیُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ...» نفقه زوجه بر زوج واجب است. شرط الزام زوج به پرداخت نفقه این است که زن، زوجه‌ی شوهر باشد و این رابطه‌ی زوجیت ادامه داشته باشد و زن نیز تمکین کند، اما اگر رابطه‌ی زوجیت بین زن و مرد کامل منقطع شود و به هیچ‌وجه امکان رجوع وجود نداشته باشد، نفقه‌ای بر عهده‌ی مرد نخواهد بود، مگر در موردی که زن باردار باشد. در این صورت به خاطر وجود حمل، مرد ملزم به پرداخت نفقه به زن خواهد بود. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است که در طلاق بائن یا فسخ نکاح - که رابطه‌ی زوجیت کامل از بین رفته است - آیا پرداخت این نفقه برای حمل است یا زن باردار؟ اگر به تعلق نفقه به زن باردار قائل شویم این نفقه جزء کدام دسته از اسباب نفقات قرار می‌گیرد؟ اگر زن، باردار باشد و شوهر او فوت کند یا در عده‌ی وفات متوجه شود که باردار است، آیا نفقه‌ای به او تعلق می‌گیرد؟ چنانچه پاسخ مثبت است، این نفقه از کجا باید تأمین شود؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤالات این پژوهش در سه قسمت تنظیم شده است؛ در قسمت اول مفهوم‌شناسی نفقه بررسی شده است. در قسمت دوم نفقه‌ی زن در عده‌ی طلاق رجعی و بائن مفصل مطرح و دیدگاه‌های متفاوت فقها و حقوق‌دانان در این باره بیان و بحث شده است و در قسمت آخر نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی وفات بررسی شده است.

با استناد به قاعده‌ی «لاضرر» و «لاضرر» در فقه اسلامی برای جلوگیری از ورود ضرر و آسیب به جنین و زوجه در ایام بارداری، لزوم اثبات نفقه برای زن باردار بعد از انحلال نکاح - به واسطه‌ی طلاق، فسخ یا فوت زوج - بسیار ضروری به نظر می‌رسد و رسالت این پژوهش نیز برداشتن گامی در این راستاست.

موضوع وجوب نفقه‌ی زن و احکام آن به طور کلی در آثار فقهی به شکلی پراکنده مطرح شده و بسیاری از فقیهان به نفقه‌ی زن باردار نیز اشاره‌هایی کرده‌اند. مقالاتی نیز به برخی از شقوق

نفقه‌ی حامل پرداخته‌اند؛ از جمله سیدحسین آل طاه‌ها در پژوهش خود وضعیت حقوقی نفقه‌ی زن باردار در زمان عده‌ی طلاق را بررسی کرده است (آل طاه‌ها و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین حاتمی و اصمی نفقه‌ی زوجه در عده‌ی وفات را به لحاظ فقهی - حقوقی بررسی کرده‌اند (حاتمی و اصمی اصطهباناتی، ۱۳۹۰). برتری این پژوهش آن است که نویسنده با تلاش اجتهادی تمام شقوق نفقه‌ی زن باردار پس از انحلال نکاح را بررسی و به صورت تطبیقی آثار و ابعاد مختلف فقهی و حقوقی موضوع را تحلیلی و ارزیابی کرده است.

۲- مفهوم‌شناسی نفقه

در این مبحث مفهوم نفقه در لغت و در اصطلاح فقه و حقوق بررسی می‌شود.

۱-۲- مفهوم نفقه در لغت

نفقه در لغت از ریشه «نَفَقَ» به معنی خروج و تمام شدن است. نفقه چیزی است که خرج و مصرف می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۷، ص ۹۷). در واقع نفقه در دو معنا استعمال می‌شود: یکی به معنای خروج و رفتن و مستهلک و فنا شدن (حمیری، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۶۷۰۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۳۵۸) و دیگری شیوع و رواج پیدا کردن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۸۵؛ فیومی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۲؛ طریحی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۰۳). نفقه‌ی زوجه هم از ریشه‌ی خرج کردن و مستهلک شدن است.

۲-۲- مفهوم نفقه در اصطلاح فقه

فقه‌های امامیه بدون اینکه تعریف لغوی از نفقه ارائه دهند با تمرکز بر روی معنای اصطلاحی آن را تعریف به مصداق کرده‌اند و در این تعاریف اختلاف در مصادیق زیاد به چشم می‌خورد؛ برای مثال برخی از فقها در تعریف نفقه آورده‌اند: «مایحتاج زن مانند غذا، لباس، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۳۰). برخی دیگر از فقها مصادیق دیگری مانند وسایل نظیف و آرایش و هزینه‌ی حمام در صورت نیاز» به آن اضافه کرده‌اند (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۴۶۹). عده‌ای دیگر بعد از ذکر چند مصداق برای نفقه گفته‌اند: «آنچه زن به آن نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است» (حلی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۲۹). گروهی نیز نفقه را برآوردن نیازهای زن و رساندن به قدر کفاف او می‌دانند (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۴۸۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۴۸۷).

به نظر می‌رسد، مفهوم نفقه یک مفهوم کاملاً عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار کرده که عنصر زمان و مکان در آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در قرآن کریم نیز تمام آیاتی که موضوع نفقه را مطرح می‌کنند، آن را به عرف واگذار کرده‌اند. چنانچه در تفسیر آیه ۲۳۳ سوره‌ی

بقره برخی مفسران آورده‌اند که منظور از «رِزْقُ» و «کِسوه» خرجی و لباس است و خداوند این خرجی را مقید به معروف کرده است، یعنی متعارف از حال شوهر و همسر. همچنین مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه‌ی مادری که به بچه شیر می‌دهد به‌عهده‌ی شوهر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۲۳). در تفسیر «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» چنین بیان شده که معروف به معنای هر امری است که مردم در اجتماع بشری خود آن را بشناسند و انکار نکنند و به آن جاهل نباشند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۴۰۴). برخی از مفسران هم کلمه‌ی معروف را به معنای «مناسب و شایسته» تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۴۰۶)؛ یعنی مناسب و در شأن زنان که در واقع به همان معنای متعارف برمی‌گردد.

۲-۳- مفهوم نفقه در حقوق

در اصطلاح حقوقی برخی از حقوق‌دانان معتقدند، نفقه چیزی است که برای گذراندن زندگی لازم و ضروری باشد (صفایی و امامی، ۱۳۷۸: ۱۳۶). برخی دیگر در تعریف جامع‌تری بیان کرده‌اند: «نفقه تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه‌ی تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود به آن نیازمند است» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۸۷).

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی در تعریف نفقه آمده: «نفقه عبارت است از همه‌ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه‌ی نقصان یا مرض».

۳- نفقه‌ی زوجه پس انحلال نکاح

هرچند اصل نفقه برای ایام زوجیت در نظر گرفته شده، اما در مواردی حتی بعد از انحلال نکاح باز هم زوجه مستحق دریافت نفقه است. رابطه‌ی زوجیت به سه طریق طلاق، فسخ و فوت منحل می‌شود که نفقه‌ی زن باردار در هر کدام از این شقوق بررسی می‌شود.

۳-۱- نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی طلاق و فسخ

وضعیت نفقه‌ی زن در عده‌ی طلاق رجعی، طلاق بائن و فسخ نکاح در این قسمت بحث می‌شود.

۳-۱-۱- نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی طلاق رجعی

در عده‌ی طلاق رجعی که رابطه‌ی زوجیت کامل قطع نشده، فقهای امامیه و اهل سنت بدون خلاف معتقدند که زن مستحق نفقه است و اگر در عده‌ی طلاق رجعی زن باردار باشد یا اماراتی دال بر باردار بودن زن باشد، نفقه‌ی زن به طریق اولی تا هنگامی که وضع حمل کند برعهده‌ی

مرد خواهد بود (سبحانی، بی تا: ج ۲، ص ۳۴۹؛ عمرانی یمنی، ۱۴۲۱: ج ۱۱، ص ۲۳۶). دلیل فقها آیه ۶ سوره‌ی طلاق است که بیان می‌کند: «هرگاه زنان مطلقه باردار باشند نفقه‌ی آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند».^۱ در این قسمت منظور از عبارت «وَإِنْ كُنَّ زَنَانٍ مُّطَلَّقاتٍ» و «أُولَاتٍ حَمَلٌ» بیان‌کننده‌ی شرط حامله بودن زن است و عبارت «فَأَنْفِقُوا عَلَیْهِنَّ» یعنی به آنها تا هنگامی که وضع حمل کنند، نفقه دهید (قاضی‌زاده و شاه‌جعفری، ۱۳۸۸: ۱۳۹)؛ چراکه زن تنها با وضع حمل از عده خارج می‌شود.

ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: «نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است...».

۳-۱-۲- نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی طلاق بائن و فسخ نکاح

در طلاق بائن - که رابطه‌ی زوجیت منقطع می‌شود - همچنین در فسخ به اجماع فقها نفقه‌ای برعهده‌ی مرد نیست (حلی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۲۵؛ العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۴۵۰)، اما قرآن کریم در آیه ۶ سوره‌ی طلاق قیدی بر این اصل زده و در جایی که رابطه‌ی زوجیت زائل ولی زن در نتیجه‌ی این ازدواج باردار شده باشد، مرد را به تأمین نفقه‌ی زن در طول دوران بارداری ملزم کرده است.^۲ فقهای امامیه و اهل سنت نیز به اتفاق معتقدند، زن مطلقه‌ای که در عده‌ی طلاق بائن به سر می‌برد، در صورت باردار بودن تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۲۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۳۴۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۳۸؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۸، ص ۲۳۵). عمرانی یمنی، ۱۴۲۱: ج ۱۱، ص ۲۳۳). این دسته از فقها علاوه بر کتاب، سنت، اجماع و احتیاط دلایل دیگری آورده‌اند. ایشان معتقدند اگر این نفقه برای حمل باشد، در فقدان پدر بر جد پدری واجب می‌شود؛ چراکه نفقه‌ی حمل جزء نفقه‌ی اقارب است، درحالی‌که در اینجا اجماع وجود دارد که نفقه بر جد پدری واجب نیست. همچنین در این فرض اگر حمل توانایی مالی داشته باشد، نفقه از عده‌ی پدر ساقط می‌شود، حال آنکه نفقه در اینجا با استطاعت ولد و حمل ساقط نمی‌شود. علاوه بر اینها نفقه در اینجا مقدر به حال زوج است درحالی‌که نفقه‌ی اقربا و خویشان غیرمقدر است (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵، ص ۱۱۲؛ سبحانی، بی تا: ج ۲، ص ۳۵۲).

ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد:

اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود، که در این صورت تا زمان وضع حمل، حق نفقه خواهد داشت.

۱. «وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَیْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...»
 ۲. «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وِجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِتَضِيقُوا عَلَیْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَیْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَتِمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِستَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى.»

۳-۱-۲-۱- دلایل فقها برای اثبات نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی طلاق بائن و فسخ نکاح

دلایل اصلی که فقها برای اثبات نفقه‌ی زن باردار در ایام عده‌ی طلاق بائن و فسخ به آن استناد کرده‌اند، کتاب، روایات، احتیاط و اجماع است که در ادامه هر کدام بررسی می‌شود:

الف- کتاب

در تفسیر آیه ۶ سوره‌ی مبارک طلاق آمده است که بر اساس ظاهر آیه عبارت «أَسْكُنُوهُنَّ» مقتضی وجوب سکونت برای تمام اقسام زنان مطلقه اعم از رجعی و بائنه است، خواه باردار باشند یا غیر باردار و ظاهر فرموده‌ی خداوند متعال در منطوق عبارت «إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٌ فَلْنَقُوهُنَّ» مقتضی وجوب نفقه برای مطلق زنان حامله است خواه رجعی باشد یا بائن (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۴۵۰؛ سبحانی، بی تا: ج ۲، ص ۳۵۴؛ ابولحیه، بی تا: ج ۱، ص ۱۹۱).

ب- روایات

دلیل دیگری که فقهای امامیه به آن استناد کرده‌اند، روایاتی است که با عموم خود شامل مطلقه بائن باردار هم می‌شوند. در ادامه به نمونه‌های از این روایات اشاره خواهد شد:

روایت نخست، علی بن ابراهیم از پدرش از ابی جعفر (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «به زن باردار فرصت می‌دهند تا فرزندش را به دنیا بیاورد، در این مدت مرد وظیفه دارد به گونه‌ای شایسته مخارج او را بدهد تا فرزندش را به دنیا بیاورد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۰۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۱۸).

روایت دوم، محمد بن یحیی از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند: «اگر مرد، زن را در حالی که حامله است طلاق دهد باید تا زمان وضع حمل به او نفقه دهد...» (کلینی، همان). به علاوه مفهوم مخالف روایت زراره از امام صادق (ع) که فرمودند: «زنی که سه طلاقه شده است، در صورتی که باردار نباشد، نفقه و سکنای او بر مرد واجب نیست». (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۰۴)

ج- احتیاط^۱

برخی از فقها احتیاط را دلیل وجوب نفقه‌ی مطلقه‌ی بائنه باردار ذکر کرده و بیان کرده‌اند که مطلقه‌ی بائنه اگر باردار باشد، بدون اختلاف نفقه دارد و شایسته است که نفقه‌ی آن کامل داده شود، زیرا احتیاط چنین اقتضایی دارد (طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۹۲). البته اصل عملی در جایی که ادله‌ی اجتهادی نظیر آیات و روایات در مورد یک حکم وارد شده باشد، استنادکردنی نیست.

۱. لازم به توضیح است؛ احتیاط تقسیم آیات و روایات نیست، بلکه دلیلی است که برخی از فقها مطرح کرده‌اند.

د- اجماع

فقه‌های امامیه بر وجوب نفقه‌ی مطلقه‌ی بائنه حامله ادعای اجماع کرده‌اند (ابن‌زهره، ۱۴۱۷: ۳۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۹۲). در کتب فقهی بسیاری بر وجود این اجماع تصریح شده است. صاحب حدائق می‌گوید: «نفقه‌ای برای مطلقه بائنه نیست، مگر در صورت باردار بودن که مستند آن دلیل و اجماع است» (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵، ص ۱۱۸). با توجه به وجود ادله‌ی آیات و روایات در مورد حکم مسئله، این اجماع مدرکی است که به اعتقاد فقها از اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲-۲- تعلق نفقه به زن یا حمل از دیدگاه فقها

در اینکه مطلقه‌ی بائنه و زنی که نکاح او فسخ شده در موارد بارداری مستحق سکنی و نفقه است و اصل نفقه به خاطر باردار بودن زن است، اختلافی وجود ندارد. اختلاف نظر فقها در این است که آیا این نفقه به زن تعلق می‌گیرد یا به حمل؟ به بیان دیگر برای اینکه محرز شود آیا نفقه‌ای برای زن وجود دارد یا خیر، باید ابتدا معلوم شود آیا نفقه برای زن است یا برای حمل؟ فقها در این باره سه دیدگاه مطرح کرده‌اند:

الف- دیدگاه اول: توقف

گروهی از فقها مانند شهید ثانی، صاحب حدائق و صاحب ریاض در این مسئله توقف کرده‌اند (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ج ۶، ص ۷۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵، ص ۱۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ج ۱۲، ص ۱۷۵). به نظر می‌رسد، منشأ این توقف وجود روایات متعارضی بوده که در این باب وارد شده است، همان‌طور که صاحب حدائق می‌گوید: «از آنجا که مسئله از مسائلی است که روایاتی که در مورد آن وارد شده است به خوبی واضح و روشن نیستند، در این مسئله باید توقف کرد و مجرای اصول عملیه است» (بحرانی، همان). یکی از فقها در این باره می‌گوید: «فقها در اینکه نفقه‌ای که به زن مطلقه باردار تعلق می‌گیرد برای حمل است یا حامل اختلاف کرده و فواید مختلفی برای هر کدام ذکر کرده‌اند، اما بهتر این است که در این مسئله سکوت کنیم. همان‌گونه که خداوند سکوت کرده است و بر ظاهر آیه که وجوب نفقه برای زن باردار مطلقه است اقتصر کنیم. قطع نظر از اینکه نفقه برای حمل باشد یا حامل» (کازمی، بی‌تا: ج ۴، ص ۶۴).

ب- دیدگاه دوم: تعلق نفقه به حامل

حنفیه و گروهی از فقها معتقدند نفقه برای زن باردار است نه حمل (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۵۷؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۴۲؛ ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۱۳۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۵۷؛ ابولحیه، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۹۱). دلیل این دسته از فقها آیه ۶ سوره‌ی طلاق است که مطلق و بدون هیچ قیدی

مرد را به پرداخت نفقه در زمان بارداری تا وضع حمل ملزم کرده است و ظهور در وجوب نفقه برای زن حامله مطلقه دارد و اشاره‌ای به وجوب نفقه برای حمل نشده است (نجفی، همان). دلیل دوم آنها روایات است که با اطلاق خود وجوب نفقه برای زن باردار را ثابت می‌کنند. افزون بر این، در برخی روایات نیز جمله «لها النفقه» یا «و علیہ نفقتها» ظاهر در این است که نفقه ملک مادر است نه حمل (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۰۳).

دلیل دیگری که این دسته از فقها به آن استناد کرده‌اند «قاعده نفی عسرو حرج» است؛ چراکه اینان معتقدند اگر نفقه را برای حمل بدانیم، زن اجازه ندارد تصرفاتی غیر از آنچه مرتبط با نیاز حمل است انجام دهد و این باعث ورود عسرو حرج بر زن باردار می‌شود، زیرا مرز دقیقی برای ضرورت و غیرضرورت در اینجا وجود ندارد و این مسئله موجب در تنگنا قرار دادن زن می‌شود و هرگونه به تنگنا قرار دادن زن روی حمل تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم می‌گذارد و تنها احتمال دادن بر این تأثیر برای ضرورت دفع خطر احتمالی علیه سلامت حمل و مادر کافی است (نجفی، ۱۴۱۹: ج ۳۱، ص ۳۵۹).

برخی از حقوق‌دانان نظیر دکتر کاتوزیان از این رویه متابعت کرده‌اند. ایشان بر این باورند که نفقه‌ای که مرد از این بابت پرداخت می‌کند، به منظور تأمین معاش زن است نه حمل. به همین دلیل الزام شوهر تابع احکام مربوط به نفقه‌ی زوجه است نه اقارب (کاتوزیان، ۱۳۷۸: به نقل از امامی، بی‌تا: ۴۷۲).

قانون مدنی اشاره‌ی صریحی نکرده است که نفقه متعلق به مال مادر است یا فرزند، ولی از ماده «۱۱۰۹» ق.م که بیان می‌کند: «... اگر عده از جهت طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل، حق نفقه خواهد داشت» می‌توان فهمید که قانون مدنی تابع قول این دسته از فقهاست، زیرا در این ماده آن چیزی که استثنا شده، نفقه‌ی زوجه است نه نفقه‌ی حمل (... زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل ...). این عبارت ظاهر در آن است که خود زن حق دارد نه حمل؛ هرچند باعث پیدایش این حق وجود حمل است.

به نظر می‌رسد، نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی طلاق بائن یا عده‌ی فسخ را باید نفقه‌ی مستقل دانست. چنانچه برخی از فقها پس از تقویت قول اول می‌گویند که اگر نفقه را برای زن حامله قبول نکنیم، بهتر است آن را نفقه‌ی مستقلی فرض کنیم که برای زوجه ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۲۹).

ج- دیدگاه سوم: تعلق نفقه به حمل

شافعیه، حنابله، شیخ طوسی و تابعین نفقه را برای حمل می‌دانند. مرحوم محدث بحرانی در *حداثق الناصره* این قول را به بیشتر فقها نسبت داده است (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵، ص ۱۱۱).
قائلان به این دیدگاه به چند دلیل تمسک جسته‌اند که تمام این دلایل مناقشه‌پذیر و بحث‌کردنی است.

دلیل اول این گروه این است که وجوب نفقه در مطلقه‌ی بائنه دائرمدار بود یا نبود حمل است؛ یعنی اگر حمل باشد، نفقه هست و اگر حملی نباشد، نفقه‌ای هم نیست و چون نفقه دائرمدار حمل است، پس به وی نیز تعلق می‌گیرد. همچنین این گروه معتقدند که نص آیه شریفه نیز الزام به نفقه را به وجود حمل منوط کرده است؛ یعنی اگر حمل نبود، به یقین نفقه به مطلقه‌ی بائنه تعلق نمی‌گرفت. براین‌اساس از آیه شریفه معلوم می‌شود که نفقه نیز به حمل تعلق می‌گیرد (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۸، صص ۲۳۴ و ۲۳۵؛ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۲۵۳؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷: ج ۷، ص ۱۲۱).
دلیل دوم این است که نفقه در فقه اسلامی (غیر از ملکیت) دو سبب دارد، یکی زوجیت و دیگری قرابت. در اینجا چون طلاق بائن است و زوجیت در طلاق بائن کامل منقطع می‌شود، سبب زوجیت نیز منتفی می‌شود، پس نفقه منحصر در قرابت باقی می‌ماند؛ چون حمل فرزند اوست و نفقه برای حمل خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۲۹).

در پاسخ می‌توان گفت، تفسیر آیه به پرداخت نفقه برای حمل خلاف ظهور آیه شریفه است، زیرا در آیه شریفه قرینه‌ی مقالیه‌ای همچون ضمیر «هن» و قید «من وجدکم» وجود دارد که به گفته‌ی مفسران ظهور در نفقه برای حامل دارد. به عبارتی، از لوازم شرعی نفقه به زن توجه به شأنیت زن است و این خود دلالت دارد بر اینکه نفقه برای حامل است.

علاوه بر این، اگرچه شکی نیست که نفقه دائرمدار حمل است، ولی در واقع حمل در اینجا علت غایی است نه اینکه مالک باشد. همچنین زمانی که در مسئله‌ی مادر رضاعی خداوند بر مرد واجب کرده که نفقه و اجرت مادر رضاعی را زمانی که به کودک شیر می‌دهد پرداخت کند، به این دلیل است که کودک از بدن او تغذیه می‌کند و مادر می‌تواند پول را بگیرد و مالک شود؛ به طریق اولی در ما نحن فیه، مادر به این خاطر که حمل از بدن او تغذیه می‌کند و همه چیز حمل مانند گوشت، پوست و ... از اوست، نفقه به او داده می‌شود و برای اوست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۳۰؛ ابولحیه، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۹۱).

دلیل دومی که این دسته به آن تمسک جسته‌اند نیز محل خدشه است؛ اینکه نفقه یا برای زوجیت است یا قرابت، مقبول نیست، زیرا نفقه منبع دیگری هم دارد و آن اینکه مطلقه‌ی بائن

باردار باشد که نص آیه بر آن دلالت دارد. پس دلیلی بر حصر وجود ندارد و این انحصار ثابت نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۳۰). به همین دلیل صاحب جواهر می‌فرماید: «و لا یخلو الثانی منهما من قوه كما عرفت، و إن آیت لکان المتجه ملاحظتها نفقه مستقلة یثبت لها...» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۲۴)؛ «قول دوم خالی از قوت نیست و اگر نفقه را برای زن حامله نپذیریم، بهتر است آن را نفقه‌ی مستقلی در نظر بگیریم که برای زن مطلقه‌ی باینه باردار ثابت است».

براین اساس می‌توان گفت، ادعای این گروه از فقها مبنی بر وجود نفقه برای حمل قوی نیست و قول صحیح‌تر بر وجود نفقه برای حامل است که این نوع نفقه نیز به گفته‌ی برخی از فقها نفقه‌ی مستقلی محسوب می‌شود و در قسیم سایر مصادیق نفقه قرار می‌گیرد.

قانونی مدنی در این باره تنها به قدر یقینی - که لزوم نفقه‌ی زن مطلقه‌ی باینه باشد - اکتفا کرده است و در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «... اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق باینه باشد، زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل نفقه خواهد داشت. نفقه به سبب حملی است که زن مطلقه دارد، چه آنکه در غیر حامل، نفقه واجب و لازم نیست».

۳-۲- نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی وفات

طبق نص قرآن کریم، زن بعد از مرگ شوهرش باید مدت چهار ماه و ده روز عده نگه دارد و حق ازدواج مجدد را ندارد.^۱ این حکم که از آن به «عده وفات» یاد می‌شود، مورد اتفاق تمامی مذاهب اسلامی است. مدت عده وفات زن باردار به نظر فقهای شیعه ممکن است بیش از این زمان باشد (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۳۶)، زیرا اگر دوران بارداری بیش از این مدت باشد، زن می‌بایست تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد. پس چه بسا عده وفات به بیش از نه ماه نیز به درازا بکشد، ولی هیچ‌گاه کمتر از چهار ماه و ده روز نخواهد بود؛ چون اگر وضع حمل زودتر از این مدت واقع شود، زن می‌بایست تا پایان این مدت عده نگه دارد. از این حکم در فقه شیعه به «ابعدالاجلین» تعبیر می‌شود (حلی، ۱۴۰۵: ۴۷۲). در ادامه درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که نفقه و مخارج زن باردار در طول این مدت که متغیر میان چهار ماه و ده روز تا بیش از نه ماه است برعهده‌ی کیست؟ فقهای امامیه درباره‌ی نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی وفات چند دیدگاه دارند:

۱. وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبِّصْنَ أَنْفُسَهُنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (بقره: ۲۳۴).

۳-۲-۱- عدم استحقاق زوجه بر نفقه در ایام عده‌ی وفات

گروهی از فقها بر اساس برخی روایات به واجب نبودن نفقه برای زن باردار - به طور مطلق اعم از مال شوهر و مال حمل - در عده‌ی وفات حکم داده‌اند که این حکم شهرت روایی و عملی نیز دارد (حلی، ۱۴۲۱: ۲۰۷؛ همو، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۱۸۴؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۸، ص ۱۶۳؛ بحرانی، بی تا: ج ۱۰، ص ۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۲، ص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۹۲). از جمله‌ی این روایات، روایت ابی‌الصباح کنانی از امام صادق (ع) است که فرمودند: «در مورد زن بارداری که شوهرش فوت شده سؤال شد که آیا نفقه به او تعلق می‌گیرد؟ حضرت فرمودند: خیر» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۶، ص ۱۱۵؛ طوسی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۴۵). یا روایت حلبی از امام صادق (ع) که فرمودند: «زن بارداری که شوهر او فوت شده، نفقه‌ای برای او نیست» (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۱۵۱).

این روایات و روایات دیگری (طوسی، همان) که مضمون واحدی دارند، بیانگر این هستند که زن حامله‌ای که در عده‌ی وفات به سر می‌برد مستحق نفقه از شوهرش نیست، زیرا متوفی تکلیفی ندارد.

۱۱۷

محقق حلی در کتاب *شرایع الاسلام* بیان می‌کند: «و فی المتوفی عنها زوجها روایتان: أشهرهما أنه لا نفقة لها، والأخرى ینفق علیها من نصیب ولدها»؛ (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۹۳) «در مورد نفقه‌ی زنی که در عده‌ی وفات به سر می‌برد دو روایت وجود دارد: طبق روایت اول که روایت اشهر نیز هست زن مستحق نفقه نیست، اما طبق روایت دوم نفقه زن از نصیب فرزندش پرداخت می‌شود». به نظر می‌رسد، منظور محقق از شهریت، شهرت روایی باشد نه شهرت فتوایی، زیرا روایاتی که بر نبود نفقه‌ی زن دلالت دارند و سند آنها نیز معتبر است، بیشتر از روایاتی است که بر وجوب نفقه‌ی زن باردار در عده‌ی وفات دلالت دارند.

مشهور فقهای اهل سنت معتقدند که در عده‌ی وفات، نفقه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد چه باردار باشد یا نباشد (بیهقی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۷۰۷). دلیل این گروه است که اگر نفقه‌ای برای زن حامل در نظر گرفته شود، به خاطر وجود حمل است و چون نفقه‌ی حمل جزء نفقه‌ی اقارب است؛ با مرگ منفق، نفقه ساقط می‌شود (انصاری و سنیکی، بی تا: ج ۳، ص ۴۳۷). علاوه بر این گروهی به روایت فاطمه بنت قیس از رسول خدا (ص) که فرمودند: «برای زنی که امکان رجوع همسرش به او وجود ندارد نفقه و سکنی تعلق نمی‌گیرد» و روایتی که جابر از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «زن بارداری که همسرش فوت شده است، نفقه‌ای ندارد» و همچنین اصل براءت ذمه و اینکه اموال میت با مرگ او به ورثه منتقل می‌شوند و جایز نیست که نفقه‌ی زن از مال طلبکاران، ورثه و یا

کسانی که برای آنها وصیت شده است پرداخت شود (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۸، ص ۲۳۲؛ ابولحیه، بی تا: ج ۱، صص ۹۳ و ۱۹۴؛ ملتقی اهل الحدیث، ۱۴۳۲: ج ۷۸، ص ۲۶۵؛ ساعی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۷۹۴) استناد می‌کنند.

۳-۲-۲- استحقاق زوجه بر نفقه در ایام عده‌ی وفات از سهم‌الارث جنین

قول مشهوری در میان قدمای فقهای شیعه، برخی از متأخرین و نیز دسته‌ای از فقهای اهل سنت است که اثبات نفقه برای زن باردار از سهم‌الارث جنین است نه از مال شوهر (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۳۸۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۳۸؛ خزرجی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۷۰۰). روایاتی که فقهای امامیه به آن استناد کرده‌اند عبارت‌اند از:

الف- روایت محمدبن فضیل از ابی‌الصباح کنانی از امام صادق (ع) که حضرت درباره‌ی زن بارداری که شوهرش فوت شده فرمودند: «نفقه او از مال فرزندش که در شکم است پرداخت می‌شود» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۶، ص ۱۱۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۵۱۰؛ طوسی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۴۵).

طبق این روایت، زن بارداری که در عده‌ی وفات است مستحق نفقه است، اما این نفقه از سهم‌الارث فرزندش پرداخت می‌شود نه از مال شوهر.

کسانی که قائل به پرداخت نکردن نفقه در عده‌ی وفات برای زن باردار هستند، به این دسته از روایات اشکال کرده‌اند که اولاً، این روایت سند صحیحی ندارد؛ ثانیاً، با روایات دسته‌ی اول در تعارض هستند (ابی‌الصباح دو روایت متعارض بیان کرده است)؛ ثالثاً، ثبوت نفقه برعهده‌ی حمل متوقف بر این است که حمل، زنده متولد شود و اگر حمل مرده متولد شود، انفاق از مال او تحقق نمی‌یابد. همچنین برای حمل قبل از زنده متولد شدن نمی‌توان قائل به تملک شد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۲، ص ۳۶۳؛ اراکی، ۱۴۱۳: ۲۷۷؛ لنکرانی، ۱۴۲۱: ۵۸۳).

در پاسخ به این اشکالات گفته شده که اولاً، بررسی روایت ابی‌الصباح حاکی است که هر دو روایت نقل شده از این راوی صحیح است (خویی، بی تا: ج ۱۲، ص ۹۵ و ج ۱۸، ص ۱۴۹)؛ ثانیاً، روایات دسته دوم فقط از ابی‌الصباح نقل نشده، بلکه از زراره و محمدبن مسلم نیز در کتب روایی دیگر نقل شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۶، ص ۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۱۳، ص ۲۹۵)؛ ثالثاً، در باب تعارض ادله این قضیه مشهور است که «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»؛ یعنی تا آنجا که ممکن باشد جمع میان دو یا چند دلیل متعارض بهتر از کنار گذاشتن یکی از آنهاست؛ لذا در اینجا نیز می‌توان بین روایات دسته‌ی اول و دوم جمع کرد؛ چراکه بنا بر روایات دسته‌ی اول، نمی‌توان نفقه را برعهده‌ی شوهر ثابت کرد، درحالی‌که بنا بر روایات دسته‌ی دوم، ثبوت نفقه از سهم حمل است؛ رابعاً، درست است که وقتی یکی از ورثه حمل باشد به اندازه‌ی فرض دو پسر برای او کنار

گذاشته می‌شود و ارث بردن و تملک وی منوط به زنده متولد شدن اوست، اما این موضوع با دادن نفقه‌ی مادر از آن منافاتی ندارد، هرچند که این سهم متزلزل است. بنابراین نفقه‌ی مادر از سهم حمل پرداخت می‌شود و چنانچه حمل زنده متولد شود، نفقه‌ای که به مادر پرداخت شده از سهم وی کسر می‌شود، اما اگر زنده متولد نشود این سؤال ایجاد می‌شود که تکلیف آنچه به مادر پرداخت شده، چیست؟ در ادامه با توجه به نظر فقها به این سؤال پاسخ داده خواهد شد (حاتمی و اصمی اصطهباناتی، ۱۳۹۰: ۸۱).

ب- روایت دیگری که این دسته از فقها به آن استناد کرده‌اند روایتی است که سکونی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: «نفقه‌ی زن بارداری که شوهرش فوت شده از کل مال است تا اینکه وضع حمل کند» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۵۱۰).

هرچند به نظر می‌رسد که این روایت با روایت قبل تعارض دارد، اما این تعارض ظاهری است؛ چراکه در واقع نصیب و سهم الارث حمل در کل مال مخلوط است و وضعیت حمل مشخص نیست که دختر است یا پسر، یکی است یا بیشتر. بنابراین پس از وضع حمل - هنگامی که سهم الارث واقعی وی مشخص شد - آنچه به عنوان نفقه پرداخت شده است، از نصیب فرزند متولد شده کم می‌شود (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۴۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۱۵۲). به همین خاطر برخی فقها روایت اخیر را بر نصیب فرزند حمل کرده‌اند، زیرا برای او از کل مال نصیبی است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۸، ص ۱۶۳ و ۱۶۴). البته یکی از فقها احتمال داده که این روایت حمل بر استحباب می‌شود؛ یعنی در صورتی که ورثه به این امر رضایت بدهند از جمیع مال پرداخت می‌شود (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۴۶).

به نظر می‌رسد ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی (اصلاحی مصوب ۸۱/۸/۱۹ مجلس) ^۱ ناظر به این دیدگاه باشد؛ چراکه زن بارداری که در عده‌ی وفات است، به دلیل حملی که در شکم دارد، مستحق نفقه است و طبق روایاتی که بیان شد، حمل نسبت به سایر ورثه در دادن نفقه به مادر اولویت دارد.

۳-۲-۳- تفصیل

برخی از فقهای امامیه و اهل سنت قائل به تفصیل شده‌اند؛ تفصیل در بیان امامیه این گونه است که در صورت نیاز زن از سهم الارث فرزند به وی نفقه پرداخت می‌شود و در صورت عدم نیاز نصیبی نخواهد داشت (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۵، ص ۱۱۸؛ حلی، ۱۴۰۵: ۴۷۲)، ولی تفصیل در میان اهل سنت به این گونه است که اگر زوج مال فراوانی داشته باشد، نفقه‌ی زن را از سهم الارث فرزند

۱. «در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه، عندالمطالبه از اموال اقاری که پرداخت نفقه به عهده آنهاست تأمین می‌گردد.»

پرداخت می‌کنند و اگر مال کمی داشته باشد، نفقه از کل مال پرداخت می‌شود. استدلال ایشان این است که اگر نفقه‌ای برای زن در این مدت در نظر گرفته نشود، زن به عسرو حرج می‌افتد. آیه ۶ سوره‌ی طلاق نیز به انفاق برای زنان باردار اشاره دارد، خواه شوهر آنها در حال حیات باشد یا از دنیا رفته باشد (ابولحیه، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۹۶).

۳-۲-۴- وجوب پرداخت نفقه از مال زوج

این دیدگاه تنها در بین فقهای اهل سنت رایج است، بدین شرح که نفقه‌ی زن از کل مال زوج پرداخت می‌شود و دلیل وجوب پرداخت نفقه جایز نبودن خروج زن از خانه در ایام عده است؛ بنابراین باید نفقه‌ی او از مال زوج پرداخت شود. در واقع اینکه گفته شده، اگر نفقه‌ای از کل مال پرداخت شود به خاطر حمل است، مقبول نیست و نفقه متعلق به زن است (خزرجی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۷۰۰). افزون بر این، قول خداوند متعال در آیه ۶ سوره‌ی طلاق - که امر به انفاق برای زنان باردار کرده است - شامل زن بارداری که همسرش فوت شده نیز می‌شود.

در جمع‌بندی این مباحث می‌توان گفت، هر چند طبق قول مشهور فقهای امامیه، اهل سنت، قانون مدنی ایران و برخی کشورهای عربی از جمله مصر^۱ زوجه اعم از باردار یا غیرباردار مستحق نفقه از زوج متوفی نیست، اما به نظر می‌رسد که در این باره باید از گروهی از فقها پیروی کرد که معتقدند زن مستحق نفقه - چه از حصه‌ی حمل چه از مال شوهر - است، زیرا دلایل و روایاتی که این گروه به آن استناد کرده‌اند مقبول‌تر است و همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان گفته‌اند، این زن علاوه بر مشکلات مالی باید با مسائل روحی و فقدان همسرش نیز کنار بیاید و این خلاف انصاف و عدالت است که او را رها کنیم، به‌خصوص اگر باردار باشد؛ چراکه وقتی زن مطلقه‌ی بانه را می‌توان براساس باردار بودن و باردار نبودن تفکیک کرد و در صورت باردار بودن برای وی نفقه در نظر گرفت، به طریق اولی زن بارداری که در عده‌ی وفات به‌سر می‌برد نیز مستحق نفقه خواهد بود. به همین خاطر، زن بارداری که در عده‌ی وفات است تا زمان وضع حمل استحقاق نفقه از ترکه‌ی شوهر را دارد؛ چون علتی که در مطلقه‌ی بائن حامل برای وجوب نفقه وجود داشت - با اینکه رابطه‌ی زوجیت بین او و شوهرش وجود نداشت - همان علت نیز در زنی که همسرش را از دست داده وجود دارد (امامی، بی‌تا: ج ۴، ص ۴۴۱) و از باب وحدت ملاک و علت (در حامله بودن) و قیاس مستنبط‌العله این زن نیز مستحق نفقه است.

۱. ماده ۳۳۱ از کتاب احوال شخصیه مصر بیان می‌کند: «نفقه به زنی که شوهرش فوت شده تعلق نمی‌گیرد؛ خواه باردار باشد یا نباشد» (مجموعه من المؤلفین، ج ۲، ص ۲۷۴).

برآمد

نفقه‌ی زن یکی از حقوقی است که شریعت اسلام بر مرد واجب کرده است و تا زمانی که رابطه‌ی زوجیت بین زن و شوهر برقرار باشد و از جانب زن تمکین نیز محقق شود، نفقه‌ی او بر شوهر واجب است و این یک اصل مسلم در بین فقهاست؛ حال در مواردی که رابطه‌ی زوجیت منقطع شود یا زوج فوت کند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا هنوز زن مستحق نفقه است یا خیر؟ در طلاق رجعی که رابطه‌ی زوجیت کامل منقطع نشده است، فقهای امامیه و اهل سنت اجماع دارند که زن چه باردار و چه غیرباردار در مدت عده (رجعیه) مستحق نفقه است، اما در عده‌ی طلاق بائن یا فسخ نکاح که رابطه‌ی زوجیت کامل از بین رفته است، اصل بر این است که نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد، اما آیه ۶ سوره‌ی طلاق و روایات تخصیصی بر این اصل وارد کرده و بر وجوب نفقه‌ی زن تنها در مورد باردار بودن حکم داده‌اند.

همین امر باعث شده است که فقها در اینکه نفقه‌ی این مدت برای حمل است یا حامل اختلاف داشته باشند و مشهور فقها با این فرض که چون رابطه‌ی زوجیت منقطع شده و نفقه نمی‌تواند از نوع نفقه‌ی زوجه باشد قائل به این شده‌اند که نفقه برای حمل است، در مقابل دسته‌ی دیگری با این رویه مخالفت کرده و معتقدند مقتضی حکم آیه ۶ سوره‌ی طلاق این است که نفقه به اعتبار وصف حاملگی برای زن است و این نوع نفقه، قسم جداگانه‌ای در قسیم سایر مصادیق نفقه است. در خصوص ثمره‌ی این نزاع باید گفت: اولاً، اگر نفقه برای حمل باشد از نفقه‌ی اقارب محسوب شده و زوج به اعتبار آنکه پدر حمل است، نفقه‌ی زن حامل را می‌دهد. بنابراین چنانچه حمل از خود دارایی داشته باشد، از دارایی او پرداخت می‌شود و اگر دارایی نداشته باشد، پدر باید آن را پرداخت کند و چنانچه پدر دارایی نداشته یا مرده باشد، نفقه برعهده‌ی جد پدری است؛ ثانیاً، نفقه‌ی اقارب به قدر نیاز منفق‌علیه و با در نظر گرفتن درجه‌ی استطاعت منفق است؛ ثالثاً، نفقه‌ی گذشته‌ی اقارب مطالبه‌شدنی نیست و اگر شوهر آن را ندهد، زن مطلقه نمی‌تواند نسبت به مدت گذشته از او بخواهد. چنانچه نفقه برای حامل باشد، نفقه‌ی مدت حمل از حیث مقدار مانند نفقه‌ی زوجیت با وضعیت زن متناسب است. همچنین نفقه مقدر بوده و زن مالک نفقه است و مجاز است هرگونه تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد.

در مورد نفقه‌ی زن باردار از حصه‌ی حمل در عده‌ی وفات دو قول وجود دارد: قول مشهور بین فقهای امامیه و اهل سنت این است که زن مستحق نفقه نیست؛ چنانچه قائل شدن به اینکه زن بارداری که در عده وفات است تا زمان وضع حمل، استحقاق نفقه از سهم فرزند و حتی ترکه‌ی شوهر را داشته باشد، نیکوتر به نظر می‌رسد.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ ابن ادریس حلی، محمد، (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ ابن براج، قاضی عبدالعزیز، (۱۴۰۶ق). *المهذب*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ ابن حمزه طوسی، محمد، (۱۴۰۸ق). *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره.
- ◀ ابن زهره حلبی، حمزه، (۱۴۱۷ق). *غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ◀ ابن قدامه، ابو محمد، (۱۳۸۸ق). *المعنی*، مکتبه القاهرة، بی جا.
- ◀ ابن منظور، محمد، (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر.
- ◀ ابولحیه، نورالدین. *الحقوق المادیة و المعنویة للزوجة*، دارالانوار للنشر و التوزیع، بی تا، بی جا.
- ◀ اراکی، محمد علی، (۱۴۱۳ق). *رسالة فی نفقة الزوجة*، قم: مؤسسه در راه حق.
- ◀ اسحاقی، محمد و مهدیه شعبانی، (۱۳۹۸). «قلمرو آزادی زن پس از ازدواج»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۲۱، ش ۸۴.
- ◀ امامی، سید حسن. *حقوق مدنی*، تهران: اسلامیة، بی تا.
- ◀ انصاری، زکریا و زین الدین سنیک، *أسنى المطالب فی شرح روض الطالب*، دارالکتاب الاسلامی، بی تا، بی جا.
- ◀ بحرانی، حسین. *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (للفیض)*، قم: مجمع البحوث العلمیة، بی تا.
- ◀ بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ بیهقی، ابوبکر، (۱۴۲۴ق). *السنن الكبرى*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ◀ ترحینی عاملی، سید محمدحسین، (۱۴۲۷ق). *الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهیة*، قم: دارالفقه للطباعة و النشر.
- ◀ جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سیدمحمود هاشمی شاهرودی، (۱۴۱۷ق). *معجم فقه الجواهر*، بیروت: الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ◀ حاتمی، علی اصغر و هاجر اصمى اصطهباناتی، (۱۳۹۰ش). «بررسی فقهی - حقوقی نفقه زوجه در عده وفات»، *مطالعات حقوقی*، دوره سوم، ش ۱.
- ◀ حر عاملی، محمد، (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- ◀ حلی، یحیی، (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة.
- ◀ حمیری، نشوان، (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام*، بیروت: دارالفکر المعاصر.

- ◀ خزرجی، جمال‌الدین، (۱۴۱۴ق). اللباب فی الجمع بین السنه و الكتاب، دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه.
- ◀ خوانساری، سید احمد، (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، بی‌تا، بی‌جا، بی‌نا.
- ◀ ساعی، محمد نعیم، (۱۴۲۸ق یا ۲۰۰۷م). موسوعه مسائل الجمهور فی الفقه الاسلامی، مصر: دارالسلام للطباعة و النشر و التوزیع و الترجمة.
- ◀ سبحانی تبریزی، جعفر. نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیه الغراء، قم، بی‌تا، بی‌نا.
- ◀ العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، قم: کتابفروشی داوری.
- ◀ _____، (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم: المعارف الإسلامیه.
- ◀ صدوق، محمد، (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی، (۱۳۷۸ش). مختصر حقوق خانواده، تهران: دادگستر.
- ◀ طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه آل‌البتین.
- ◀ طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۶۳ش). تفسیر المیزان، سید محمد باقر همدانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- ◀ طبرسی، فضل‌بن‌حسن، (۱۴۱۰ق). المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- ◀ طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ◀ طوسی، محمد، (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ◀ _____، (۱۴۰۷ق). الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ _____، (۱۳۸۷ش). المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- ◀ _____، (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ◀ حلی (علامه)، حسن، (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- ◀ _____، (۱۴۲۱ق). تلخیص المرام فی معرفة الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ◀ عمرانی یمنی، ابوالحسین، (۱۴۲۱ق). البیان فی مذهب الإمام الشافعی، جده: دارالمنهاج.
- ◀ فاضل هندی، محمد، (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ◀ فخرالمحققین، محمد، (۱۳۸۷ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: اسماعیلیان.
- ◀ فیومی، احمد. *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: منشورات دارالرضی، بی تا.
- ◀ قاضی زاده، کاظم و حورا شاه جعفری، (۱۳۸۸). «مبنا و ماهیت فقهی و حقوقی نفقه زوجه در قرآن»، *بانوان شیعه*، سال ششم، ش ۲۰.
- ◀ قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق. *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ◀ کاظمی، جواد. *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*، بی تا، بی جا، بی نا.
- ◀ کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامیة)*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ◀ _____ (۱۴۲۹ق). *الکافی (ط - دار الحدیث)*، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸ش). *حقوق مدنی خانواده*، تهران: بهمن برنا.
- ◀ لنکرانی، محمد فاضل، (۱۴۲۱ق). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- ◀ مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۶ق). *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره.
- ◀ مجموعه من المؤلفین، فتاوی دارالافتاء المصریة، دارالافتاء المصریة.
- ◀ حلّی (محقق)، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: اسماعیلیان.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ◀ _____ (۱۴۲۴ق). *کتاب النکاح*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- ◀ ملتقی اهل الحدیث، أرشیف ملتقی اهل الحدیث، ۱۴۳۲ق یا ۲۰۱۰م.
- <http://www.ahlalhdeeth.com>
- ◀ میرزای قمی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات (للمیرزا القمی)*، تهران: کیهان.
- ◀ نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.